

## بررسی ناسازگاری های چارچوب حسابداری اسلامی و حسابداری متعارف

محمد علی آقایی<sup>۱</sup>، وحید احمدیان<sup>۲\*</sup>

### چکیده

برجسته ترین رویکرد این عصر، برگشت به مذهب با عذر و بهانه های مختلف است. در این بین، حسابداری اسلامی موضوعی است که از دیرباز مورد تعلق خاطر همه کسانی بوده است که دل در گرو اسلام داشته اند. بر این اساس، بسیاری کوشیده اند تا در جهت شناخت و معرفی این پدیده ی مهم، گامی فرا پیش نهند. هر یک از این افراد از منظری به حسابداری اسلامی نگریسته اند و نتیجه این تلاش ها منجر به ارائه نظریاتی در خصوص تعریف و بسط مفهوم حسابداری اسلامی شده است. در این مقاله ابتدا درباره ماهیت حسابداری اسلامی بحث می شود و سپس در ادامه، با تمرکز بر مفهوم و طبقه بندی عناصر چارچوب مفهومی، اقدامات و کوشش هایی برای گردآوری نقاط ناسازگاری میان حسابداری اسلامی و حسابداری متعارف انجام شده است. نتایج حاکی از آن است مفاهیم اصلی چارچوب نظری حسابداری توسط قوانین شریعت تحت تاثیر قرار گرفته است و وجود نشانه هایی از اثرپذیری حسابداری متعارف از قوانین شریعت، لزوماً حاکی از توافق بر سر مفاهیم حسابداری از دیدگاه اسلامی نخواهد بود.

کلید واژه: حسابداری اسلامی، ارزش های اسلامی، چارچوب مفهومی حسابداری، حسابداری مرسوم، اصول و مفروضات حسابداری

### مقدمه

---

۱- آقایی، محمدعلی، عضو هیئت علمی گروه حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران [aghaeim@modares.ac.ir](mailto:aghaeim@modares.ac.ir)  
۲- احمدیان، وحید: کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده ی مسئول)، دانشگاه تربیت مدرس، شماره تماس: ۰۹۳۸۲۱۲۶۷۸۸، پست الکترونیکی: [alcinbusiness3@gmail.com](mailto:alcinbusiness3@gmail.com)

هدف از تدوین چارچوب مفهومی، فراهم آوردن رهنمودی عام و فراگیر در چارچوب ویژگی های جامعه برای وضع و تجدیدنظر در استانداردهاست به طوری که حقوق و منافع استفاده کنندگان، تهیه کنندگان و حسابرسان گزارش ها و صورتهای مالی به طور متعادل حفظ شود. این چارچوب مفهومی ممکن است تحت تاثیر عوامل گوناگون سیاسی، قانونی، مالکیت، اندازه و پیچیدگی واحد تجاری و فرهنگ حاکم بر محیط قرار گیرد.

همچنین یافته ها حاکی از آن است که مذهب نیز می تواند بر نحوه ی گزارشگری تاثیرگذار باشد و از جمله، پیشنهادهایی در رابطه با پیوند اسلام و حسابداری ارائه شده است. به اعتقاد مولر (۱۹۹۴) الگوها و اشکال مختلف حسابداری با ارزش های مختلف اجتماعی، مذهب، سیستم های سیاسی و پیش زمینه هایی که محیط را شکل می دهند در ارتباط است. در این میان، جامعه ای با مذهب اسلامی، می تواند اثر با اهمیتی بر سبک و شیوه ی عمل حسابداری داشته باشد (هافستد، ۱۹۸۰). تئوری های حسابداری باید مطابق با شریعت اسلامی باشد؛ اغلب ویژگی های واجبات اسلامی که با آن مواجه هستیم در هدایت برای طراحی مجموعه ای از گزارش های شرکت های اسلامی دارای اهمیت است و حسابداری سنتی که مبتنی بر جهان بینی غربی است دیگر نمی تواند پاسخگوی تأمین نیازهای گزارشگری مالی در کشورهای اسلامی باشد (گمبلینگ و کریم، ۱۹۸۶).

بنابر تعالیم موجود در نظام اقتصادی اسلام، انسان مالک اصلی محسوب نمی شود بلکه مالک اصلی، خداوند متعال است و انسان امانتدار می باشد. در این نظام ربا به شدت تحریم شده است، برخی معاملات و عقود مانند معامله مشروبات الکلی ممنوع هستند و مالیات هایی همچون خمس و زکات رایج می باشد (یایا و حمید، ۲۰۰۴). امروزه بسیاری از کشورهای اسلامی سعی می کنند اقتصادشان را به ویژه در زمینه ی بانکداری با اصول اسلامی تطبیق دهند. لذا در چنین سیستم اقتصادی اسلامی، نیاز به توسعه ی مدل حسابداری خاصی که در خدمت جامعه ی اسلامی باشد، احساس می شود و فقط پس از تدوین چارچوب حسابداری منطبق با ارزش های اسلامی که بر اساس یک رویکرد قیاسی صورت می گیرد؛ ما می توانیم یک سیستم حسابداری را با توجه به اصول حاکم بر اسلام پایه گذاری کنیم به اعتقاد شهید صدر، محقق اقتصاد اسلامی از روش اکتشاف (حرکت از نظام حقوقی برای تدوین مکتب اقتصادی) برای دستیابی به مذهب اقتصادی استفاده می کند (حائری، ۱۳۸۰) و فلسفه اسلامی را باید از مجموعه دستورات اسلام کشف کرد (مطهری، ۱۳۶۸).

در این مقاله با یک رویکرد تطبیقی نشان داده می شود که چگونه سیستم اقتصادی اسلامی بر مفاهیم و عناصر صورت های مالی در حسابداری تاثیر می گذارد. این مقاله بحث می کند که شریعت چگونه بر اجزاء چارچوب نظری حسابداری اثر دارد و سازگاری اهداف، اصول و مفروضات حسابداری مرسوم را با ارزش های اسلامی مورد ارزیابی قرار خواهد داد.

## بیان مسئله

اکثر اقتصاددانان درباره‌ی این مسئله توافق دارند که ایدئولوژی حاکم بر جامعه، ارزش‌های فرهنگی، آداب و رسوم، اصول و قواعد سلوک، هنجارهای رفتاری، قوانین مصوب و قواعد عرفی، بر نحوه‌ی عملکرد اقتصاد موثرند. همچنین فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌های اقتصادی، از عناصر اعتباری مورد قبول جامعه تاثیر می‌پذیرند، در واقع این نوع فعالیت‌ها در چارچوب احکام شریعت شکل می‌گیرند (صدیقی، ۱۳۷۵). در این میان، اقتصاد اسلامی بر پایه شریعت یا قوانین اسلامی است که ناظر به مسایل مادی و معنوی به صورت همزمان می‌باشد. اصل و اساس شریعت در این است که «امنیت و عدالت» (اقتصادی-اجتماعی) را برای آحاد جامعه به ارمغان آورد. نظام اقتصادی اسلام بر این باور استوار است که هیچ انسانی حق ندارد آنچه را که اساساً آفریده خدا یا ماحصل تلاش دیگری است از آن خود بداند (صدر، ۱۳۷۲). این قوانین برای برقراری عدالت اجتماعی وضع شده، و تفاوت‌های اصلی بین اقتصاد غربی و اسلامی نیز در همین نکته «عدالت اجتماعی» است. بنابراین از آنجا که وجود یک نظام اقتصادی با نام نظام «اقتصاد اسلامی» متصور است، در این راستا موضوعی به نام «حسابداری اسلامی» که همانا توجه به رویکرد اسلامی در حسابداری می‌باشد، مطرح می‌شود (حمید، ۲۰۰۰).

دو رویکرد متفاوت در مورد تعریف حسابداری اسلامی در مقابل حسابداری متعارف وجود دارد:

الف: برخی بر این عقیده اند حسابداری، اسلامی و غیراسلامی ندارد؛ زیرا در مقام گردآوری ممکن است صبغه‌ی اسلامی داشته باشد و لکن تولید علم مربوط به ساحت نتیجه و داوری است. در این ساحت یک واقعیت بیشتر وجود ندارد. بنابراین، واقعیت یگانه‌ای که جواب سوال قرار می‌گیرد، غیر از عنوان واقعیت، وصف دیگری را به عنوان اسلامی غیراسلامی نمی‌پذیرد. اگر حسابداری اسلامی وجود دارد حسابداری مسیحی و یهودی هم وجود دارد و اگر اهداف این‌ها باهم متفاوت باشد موجب محدود شدن حوزه‌ی گزارشگری مالی خواهد شد (برای مثال، دیویدوف و هال، ۱۹۹۷، جاکوبز و واکر، ۲۰۰۴).

ب: اما گروه دیگر، اهداف حسابداری سنتی را برای حسابداری اسلامی مناسب نمی‌بینند و معتقدند که ما به تعریف مجددی از خود حسابداری در جامعه‌ی اسلامی نیازمندیم.

به اعتقاد این گروه، اگر قرار باشد که احکام اسلام ارتباطی با استفاده‌کنندگان مسلمان داشته باشد لازم است توسعه‌ی نظریه‌ی حرفه‌ی حسابداری از این احکام پیروی کند. چارچوب مفهومی سیستم‌های حسابداری وابسته به غرب، با شناخت تفاوت بین اصول اخلاقی شخصی توسعه یافته است، بنابراین با جوامعی که اصول و اخلاقیات آنها بر تمام جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زندگی حکم فرما است (مانند آنچه در جوامع اسلامی وجود دارد)، ارتباط

محدودی دارد. توجیه اعمال روش‌های حسابداری سنتی، در اسلام قابل قبول نیست؛ زیرا شواهد کمی وجود دارد که کاری که تاکنون انجام شده است الزاماً با اصول اسلامی مطابقت داشته باشد (گمبلینگ و کریم، ۱۹۹۱). ماهیت نظریه‌ی حسابداری اسلامی به مانند رهنمودی است درباره‌ی این که کارها چگونه باید انجام شوند تا اهداف اسلامی برآورده شود و در نهایت این که کارها در عمل چگونه انجام می‌شوند (بایدون و ویلت، ۱۹۹۷). انگیزه نفع شخصی را از نظر اخلاقی کافی نمی‌باشد و لزوم پاسخگویی به کل جامعه، باید مد نظر قرار گیرد که از طریق پذیرش دستورات مذهبی صورت می‌گیرد (شیرر، ۲۰۰۲). بدین طریق مفروضات حسابداری مرسوم نمی‌تواند با اصول و آموزه‌های اسلامی انطباق داشته داشته باشد و طراحی یک سیستم حسابداری مبتنی بر قوانین شریعت، الزامی است (احمد، ۱۹۹۴).. در این مورد، حتی برخی محققان پا را فراتر گذاشته و روش‌های حسابداری متعارف را کفر و سکولاریسم و کلا نامرتبط با الهیات می‌دانند (لولین، ۱۹۸۸).

اسلام دومین دین بزرگ در جهان است. تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی کشورهای اسلامی که ۲۵ درصد کل جمعیت جهان را تشکیل داده‌اند و از جمله مسئله پرداخت زکات و ایجاد محیط بدون ربا، دانشمندان اسلامی را با نگرانی‌هایی در مورد انطباق اهداف و روش‌های حسابداری متعارف با اصول و موازین شریعت مواجه کرده است. به این دلیل است که بررسی تاثیر دین اسلام بر مسائل حسابداری به عنوان یکی از موضوعات بنیادی مطالعات حسابداری در میان اندیشمندان مسلمان تبدیل شده است. در این راستا، هدف این پژوهش، بررسی ناسازگای‌های اهداف، اصول و مفروضات حسابداری متعارف و حسابداری اسلامی می‌باشد. بنابراین پرسش‌های تحقیق به شرح زیر مطرح می‌شوند:

اول: آیا اهداف گزارشگری مالی قراردادی و حسابداری اسلامی یکسان است؟

دوم: آیا اصول حسابداری و گزارشگری مالی قراردادی و حسابداری اسلامی یکسان است؟

سوم: آیا مفروضات حسابداری و گزارشگری مالی قراردادی و حسابداری اسلامی یکسان است؟

### ادبیات و مبانی نظری

در ادبیات حسابداری دیدگاه جمعی را به دیدگاه حاکم فردگرایی افزوده‌اند و آن را به عنوان گامی برای ارائه روش‌های جدید برای مسئله‌های "پاسخگویی" و "روش توزیع" تلقی کرده‌اند. مفهوم "دارایی‌های مالی جامعه" هم (چن، ۱۹۷۵)، عملکرد مدیریت را همزمان از دیدگاه سود و هدف اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌دهد (بلکویی، ترجمه پارسایان، ۱۳۹۰)

چارچوب‌های نظری مبتنی بر پاسخگویی، اصولاً با چارچوب‌هایی که در آن‌ها فرض اصلی این است که مسئولیت اجتماعی موضوع حسابداری است متفاوت می‌باشد. در اینجا، هزینه‌ها و فایده‌هایی که مورد نظر افراد برون سازمانی

است، مد نظر قرار می‌گیرد. در دنیایی که در آن، تعهد به ارزش‌های مشترک به صورت هنجار است، می‌توان پاسخگویی را به عنوان یک تعهد در برابر منافع عموم دانست و نه سازوکاری برای حفظ یا حمایت از حقوق فردی.

بلکویی ۳ مورد از مسئله‌هایی که در زمینه "روش توزیع" مطرح شده است را برجسته می‌داند:

اول: او به دیدگاه اسکات در مورد نقش اجتماعی حسابداری در حل و فصل تضاد منافع استناد می‌کند. "ارزش" و "توزیع" دربرگیرنده یک مسئله ساده است که تئوری حسابداری به صورتی ویژه اقدام به حل آن می‌نماید. و شاهد دوم نقش اجتماعی حسابداری در تسکین بخشیدن به دردهای جامعه می‌باشد. از این رو، تفاهم اجتماعی واحد اقتصادی (مفهوم انصاف) پا را از مرز مفهوم اصول اخلاقی و معنویت مسئولیت اجتماعی فراتر می‌گذارد و وارد گستره ی فرآیند واکنش مدیریت می‌شود.

دوم: دیدگاه طرفداران سیستم اقتصادی سیاسی حسابداری است که در آن به قدرت و تضاد در جامعه و آثار ناشی از گزارش‌های حسابداری بر نحوه ی توزیع درآمد و ثروت و قدرت در جامعه توجه می‌شود.

سوم: دیدگاه اثباتی است که معتقد است حسابداری برای حل مسئله تخصیص منابع، در بین مجموعه ای محدود از مشارکت‌کنندگان به کار می‌آید و انصاف، تامین منافع همین سهامداران است.

از دیرباز، اقتصاددانان به این واقعیت پی برده‌اند که این گونه مسئله‌های توزیعی را نمی‌توان بدون قرار گرفتن در یک موضع امری یا دستوری حل نمود (پالوت، ۱۹۹۱).

پرداخت زکات و جلوگیری از ربا، چالش‌های اساسی و نگران‌کننده ی جامعه ی اسلامی برای رعایت انصاف در چارچوب شریعت اسلامی است و اندیشمندان اسلامی به یک بازبینی فلسفی برای انطباق اصول حرفه ای با مبانی شریعت اسلامی پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند که سیاست، اقتصاد و اجتماع، همه، جنبه‌هایی از تصمیم‌گیری مذهبی هستند و طرح حسابداری اسلامی، توسعه شناسایی قراردادهای شرکت، با خداوند و مخلوقاتش می‌باشند که مفهومی "غیرعرفی" در تجارت اسلامی است.

وجه تمایز دیدگاه اخیر با حسابداری اجتماعی در این نکته است. طرفداران حسابداری اجتماعی، علیرغم تفاوت دیدگاه‌ها درباره روش توزیع، بر عرفی بودن موضع امری یا دستوری تاکید می‌کنند در حالی که اندیشمندان اسلامی، بر غیر عرفی بودن موضع امری یا دستوری تاکید دارند و پرداخت زکات و انتخاب سیاست حسابداری در محیط بدون ربا، نمونه‌هایی از این ادعاست.

بنابراین، طرح حسابداری اسلامی زمانی منصفانه است که هزینه‌ها و منافع حاصل از فعالیت‌های تجاری واحد اقتصادی و واکنش‌های مناسب در برابر این قراردادهای غیرعرفی را، شناسایی، اندازه‌گیری و افشا نماید. هدف از طرح

چارچوب نظری حسابداری اسلامی، آن است که سیاست های حسابداری و گزارشگری شرکتها برای تحقق مفهوم قرارداد (غیر عرفی) در تجارت اسلامی تبیین گردد.

فرهنگ شامل تمامی فاکتورهای اجتماعی سیاسی است که رفتار را متاثر می کند، تحقیقات متعددی در ادبیات حسابداری وجود دارد که ثابت می کند فرهنگ متاثر کننده حسابداری است و فرهنگ های متفاوت سیستم های اقتصادی اجتماعی و سیاسی خاص خود را می پذیرند که به نوبه خود سیستم حسابداری متفاوتی را می طلبد. طبیعتاً در یک نظام اقتصادی اسلامی، به جهت وجود تفاوت ها، نحوه پاسخگویی حسابداران نیز متفاوت با نظام های سوسیالیستی و سرمایه داری خواهد بود و این خود دلیلی بر ضرورت وجود حسابداری اسلامی است. به طور خلاصه، تفکر اسلام از تفکر سرمایه داری متفاوت است پس در نتیجه سیستم حسابداری خاص خودش را می طلبد (گمبلینگ و کریم، ۱۹۹۱). بدین ترتیب، فرضیه اول تحقیق به صورت زیر مطرح می شود:

فرضیه اول: اهداف حسابداری و گزارشگری مالی قراردادی و حسابداری اسلامی یکسان نیست.

از آن جا که اسلام تمایزی بین کارهای معنوی و دنیوی قائل نمی شود و تجارت را به عنوان موضوعی از اخلاقیات و تابع توصیه های شرعی در نظر می گیرد، یک چنین نگاهی به تجارت، پیامدهایی را برای حرفه ی حسابداری به دنبال خواهد داشت؛ چرا که هدف گزارشگری مالی ارائه ی صادقانه ی رویدادهای مالی است که بر اساس این قراردادها انجام می گیرند. مسلمانان بر اساس چارچوبی که اسلام ارائه می دهد، رفتار می کنند و رفتار اقتصادی عقلایی آن ها با توجه به آموزه های اسلامی که از دومنبع اصلی قرآن و سنت استنباط می شود، صورت می گیرد. در راستای چنین تفکری، مباحث نظری و پژوهشی قابل توجهی از سوی صاحب نظران و پژوهشگران مختلف علوم مالی در خصوص حسابداری مالی و گزارشگری مالی اسلامی مطرح گردیده که هسته ی اصلی آن ها را میزان کفایت و قابلیت سیستم گزارشگری مالی کنونی، در برآورده ساختن الزامات نظام اقتصادی مورد نظر اسلام تشکیل می دهد (بیدون و ویلت، ۲۰۰۰). چارچوب مفهومی حسابداری که اخیراً در غرب به کار گرفته می شود متکی به تفکیک اصول اخلاقی تجاری از اصول اخلاقی شخصی است. بنابراین، چنین چارچوبی نمی تواند به طور دربست در جوامع دیگری که اصول اخلاقی آن ها، حاکم بر جنبه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زندگی است، اجرا شود (گمبلینگ و کریم، ۱۹۹۱). بدین طریق، مفروضات حسابداری مرسوم نمی تواند با اصول و آموزه های اسلامی انطباق داشته باشد (احمد، ۱۹۹۴).

رهنمودهای اخلاقی حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان از منظر اقتصادی بر دو مفهوم محوری عدالت و احسان استوار است (س ۲ آ ۱۷۷)؛ این دو مفهوم بنیادی بر تمام جنبه های اقتصادی زندگی انسان نظارت دارند و در نتیجه چنین تلقی می شود که فعالیت های اقتصادی در اسلام باید بر پایه ی این ارزش ها صورت پذیرد (صدیقی، ۲۰۰۹) اما اصول و قواعد حسابداری غرب به صورت فنی، و نه اخلاقی ارائه می شود؛ از این رو در رابطه با موسسات ارائه کننده

خدمات مالی اسلامی، اطلاعات حسابداری در صورتی معاملات و رویدادهای اقتصادی را گونه ای منصفانه نشان می دهند که شناسایی و ارائه این معاملات، مطابق با اصول و قواعدی اسلامی که حاکم است، شکل بگیرد. از طرف دیگر، تفاوت در مقاصد و اهداف گروه های مختلف استفاده کنندگان صورت های مالی در جوامع اسلامی و غیر اسلامی، منجر به اصول حسابداری متفاوتی خواهد شد. هدف اصول حسابداری اسلامی، رسیدن به منفعتی است که فلاح و رستگاری انسان را رقم بزند و به سرانجام نیکویی بیانجامد؛ بدین طریق مفروضات حسابداری متعارف نمی تواند با اصول و آموزه های اسلامی انطباق داشته باشد (احمد، ۱۹۹۴). بر این اساس به نظر می رسد بین اصول و مفروضات حسابداری قراردادی با حسابداری اسلامی، تفاوت وجود داشته باشد:

فرضیه دوم: اصول حسابداری و گزارشگری مالی قراردادی و حسابداری اسلامی یکسان نیست.

فرضیه سوم: مفروضات حسابداری و گزارشگری مالی قراردادی و حسابداری اسلامی یکسان نیست..

### روش اجرای تحقیق

این پژوهش بر مبنای روش کتابخانه ای و مستندسازی انجام می گیرد. بخش نظری بر اساس ادبیات موجود در حوزه اقتصاد و حسابداری اسلامی و متغیرهای مرتبط به عناصر چارچوب نظری گزارشگری مالی و از منظر غرب و اسلام نگارش شده و سپس تحلیل مبتنی بر روش محتوا از ادبیات موجود در خصوص چارچوب نظری حسابداری اسلامی و غربی، امکان استنتاج نتایج تطبیقی را در حوزه مورد نظر فراهم نموده است. برای بررسی فرضیات تحقیق نخست به بررسی ابعاد و اجزای موجود از منظر اسلام و غرب پرداخته و می شود و ۲ سطح از چارچوب نظری (اهداف حسابداری و گزارشگری مالی و اصول و مفروضات حسابداری) و هریک از ابعاد آنها در هر مدل استخراج شده و مورد مقایسه قرار گرفت. فرآیند تحلیل مبتنی بر روش توصیفی - تحلیل محتوا بوده است.

### بررسی فرضیه های تحقیق

#### ۱۱. تحلیل دیدگاه غربی و اسلامی در مورد اهداف حسابداری و گزارشگری مالی

از منظر مسئولیت پاسخگوئی، هدف حسابداری، فرا آوردن نظامی منصفانه از جریان اطلاعات میان پاسخگو و پاسخ خواه می باشد. این هدف، در حسابداری متعارف بر پایه ی رابطه ی مسئولیت پاسخگویی میان دو طرف بنا می شود. رابطه ی مسئولیت پاسخگوئی می تواند بیرون از یک شرکت یا درون آن وجود داشته باشد. شرکت ها ممکن است در برابر سهامداران، بستانکاران، دولت، اتحادیه های کارگری، مشتریان، یا عموم مردم مسئولیت پاسخگوئی داشته باشند. در درون شرکت ها نیز رؤسا و کارکنان بر مبنای سلسله مراتب سازمانی اختیارات و مسئولیت ها، در برابر سرپرستان خود پاسخگو هستند. به موجب رابطه ی پاسخگوئی، پاسخگو ملزم است اطلاعات معینی را برای پاسخ خواه

یا کارفرما فراهم آورد. نکته ای که باید به آن توجه کرد آن است که رابطه ی پاسخگویی مورد بحث در حسابداری متعارف بر پایه ی قراردادهای فیمابین طرفین (عرفی) تعریف می شود.

اما در آموزه های اسلامی، دامنه ی پاسخگویی علاوه بر حسابداری برای اقدامات انجام شده به کارفرما، پاسخگویی به خداوند نیز مطرح است و اتفاقاً پاسخگویی به خداوند باید در راس اهداف باشد. در چارچوب شریعت اسلامی، همه افراد مسئول پاسخگویی به خداوند در روز قیامت برای فعالیت هایشان در زندگی هستند و در واقع، حدود پاسخگویی در حسابداری اسلامی و حسابداری متعارف متفاوت است (حمید، ۲۰۰۰).

«بگو ای پیامبر، نماز، طاعات و کلیه اعمال و زندگی من همه برای خداست، او که پروردگار جهانیان است». (س ۶ آ ۱۶۲). دید اسلام از مسئولیت پاسخگویی بر اساس دو مضمون بسیار مهم است. اولین مفهوم "توحید" است. توحید که پذیرش خدای واحد است فراهم شدن یک راه مستقیم و ضمانتی است که روح به خدا وصل می شود. به عبارت دیگر، با پذیرش فقط خدا، همه فعالیت ها باید براساس شریعت اسلامی (قرارداد غیرعرفی) و در جهت هم‌رنگ شدن با آن انجام گردند. در اسلام خداوند صاحب نهایی است بنابراین دارایی ها که در دست افراد است، یک امانت است. این مسئله، منجر به ایجاد یک مفهوم جدید از مسئولیت می شود که در سیستم غربی ناشناخته است و شریعت اسلامی راهی برای پذیرش این مسئولیت است. مردم مسئول فعالیت های خودشان هستند که در روز قیامت حساب پس می دهند و این یک بعد جدیدی برای ارزیابی اعمال اضافه می کند. دیدگاه اسلام از مسئولیت پاسخگویی، بدین طریق اهداف متفاوتی جهت حسابداری و گزارشگری ایجاد کرده است؛ بدین صورت که در رأس هرم پاسخگویی نظام اقتصادی اسلام، خداوند متعال می باشد و کارفرما در ذیل آن قرار دارد. در اصل، این هدف از طریق پاسخگویی به جامعه ایفا خواهد شد (حمید، ۲۰۰۰) اما یکی از اثرات پذیرش مسئولیت فوق آن است که سبب می شود؛ حسابداران مسلمان تنها رویدادها و آثار مالی ناشی از معاملات و عقود مشروع را ثبت نمایند و از ثبت اطلاعات مالی خلاف قوانین شریعت ممانعت ورزند. این مورد یکی از اصلی ترین آثار تفاوت در هدف پاسخگویی سیستم های حسابداری اسلامی و غربی است.

دومین مضمون مهم، مفهوم "خلیفه" بودن انسان است. خداوند مالک اصلی هر چیز است و انسان ها را بر روی زمین به عنوان خلیفه برگزیده است و به آن ها اطمینان می دهد که وارثین خداوند هستند. هر کس دارایی ها را به عنوان امانتی از خداوند نگهداری می کند و باید از این دارایی ها برطبق خواسته ی خداوند استفاده کند. پاسخگویی که از قرارداد بین سرمایه گذار و مدیر ایجاد می شود در مرحله ی بعدی اهمیت قرار می گیرد. هدف پاسخگویی اسلامی متکی به مفهوم خلافت است و هدف اصلی حسابداری در اسلام، در مرحله اول مسئولیت پاسخگویی به خداوند است و این تفاوت های



آشکار مدل حسابداری اسلامی از مدل غربی است که در آن مسئولیت پاسخگویی به افراد ذینفع مانند مالکان از اولویت برخوردار است.

نقش خلیفه بودن برای انسان دیون و تعهدات دیگری هم ایجاد می کند که برخی از آن ها، در راستای اصول اخلاقی حاکم، در حسابداری رایج نیز مطرح شده اند (برای مثال مسلمانان لزوم توجه به مسئولیت های اجتماعی را در حسابداری اسلامی متذکر می شوند و اعتقاد دارند که آنچه به وسیله خدا ایجاد شده است باید باقی بماند؛ بنابراین زمین، هوا و آب عناصر مقدس هستند. برخی محققین، برقراری «حسابداری اجتماعی» از آغاز دهه ۱۹۶۰ و «گزارشگری محیطی» از آغاز دهه ۱۹۹۰ و اهمیت یافتن «مباحث اخلاقی» در حسابداری متعارف را، نوعی نفوذ بی سروصدا و ناخودآگاه ارزش های اسلامی در روش ها و مفاهیم حسابداری می دانند (حمید، ۲۰۰۰)) اما برخی دیگر از دیون و تعهدات، همچنان با ارزش های غربی ناسازگاری دارد (برای مثال مسلمانان بر سطحی از سود که براساس عدل و انصاف است، تاکید می کنند، در حالی که این سود مغایر با سود غربی است). (حنیفه و خودیب، ۲۰۰۲).

زکات که از جمله قراردادهای «غیرعرفی» است، تفاوت دیگر میان اهداف حسابداری اسلامی و حسابداری مرسوم بیان شده است. برخی محققان اسلامی تاکید می کنند که یکی از اهداف اصلی حسابداری اسلامی باید محاسبه زکات باشد (بیدون و ویلت (۱۹۹۴)، عدنان و گافکین (۱۹۹۷)، تریووانو (۲۰۰۰)، الخدش، (۲۰۰۱)). تریووانو (۲۰۰۰) یکی از اهداف اصلی حسابداری را انتقال از حداکثرسازی سود به حداکثرسازی زکات (تاکید بر ثروت و منافع جامعه و نه فقط منافع فردی) بیان می کند که از این طریق، حسابداری، توازنی میان ویژگی های فردی و اجتماعی به وجود می آورد. در این مورد باید توجه داشت که طبق عقیده بسیاری از صاحب نظران، اهداف، کارکردها و نحوه ی عمل حسابداری، متأثر از محیط پیرامونی آن است. لذا می توان رفع نیاز محاسباتی و گزارشگری زکات را از حسابداری انتظار داشت. حسابداری اسلامی با تبیین مفاهیمی همچون دارایی ها، بدهی ها، سرمایه، درآمد، هزینه، بر مبنای شریعت، می تواند پاسخگوی «قرارداد غیرعرفی» زکات باشد. اصول و مفروضات حسابداری، که زیربنای شناسایی و اندازه گیری بسیاری از این مفاهیم می باشند بر پایه ی مبانی فقهی تنظیم می شوند. بنابراین حتی با در نظر گرفتن این که زکات یکی از ستون های اصلی اسلام باشد؛ ساده انگاری است که با وجود دامنه وسیعی از موضوعات مختلف اقتصادی و اجتماعی در جامعه اسلامی، دیدگاه خود را در حسابداری اسلامی به بحث زکات معطوف کنیم. این مسئله به شدت موجب محدود شدن دامنه گزارشگری مالی و حسابداری اسلامی، در مقابل حسابداری متعارف خواهد شد.

در بیانیه شماره ۱ سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات اسلامی (AAOIFI) اذعان شده است که اهداف حسابداری مالی، نوع و ماهیت اطلاعاتی را تعیین می کند که باید در گزارش های مالی برای کمک به استفاده کنندگان این

گزارش ها در تصمیم گیری ارائه شود (سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، ۱۹۹۹). اهداف گزارشگری مالی طبق استاندارد شماره «۱» این سازمان به شرح زیر است:

- ۱- اطلاعات مربوط به رعایت موازین شرعی توسط بانک ها
- ۲- اطلاعات مربوط به منابع اقتصادی و تعهدات و آثار رویدادها
- ۳- اطلاعات لازم برای تعیین زکات
- ۴- اطلاعات مربوط به جریان های نقدی
- ۵- اطلاعات لازم برای ارزیابی مسئولیت های امانی بانک ها برای حفاظت منابع و سرمایه گذاری آنها
- ۶- اطلاعات مربوط به ایفای مسئولیت های اجتماعی توسط بانک ها

## ۲. تحلیل دیدگاه غربی و اسلامی در مورد اصول حاکم بر حسابداری و گزارشگری مالی

### ۲-۱. اصل تحقق درآمد

اصل تحقق بیان می کند که «درآمد باید در زمان انجام معامله شناسایی و در حسابها ثبت شود، نه تاریخ دریافت وجه نقد بابت آن». مطابق این اصل، حسابداری عموماً به عنوان یک روش دقیق و خاص رسیدگی حسابها پذیرفته شده است. منتقدان حسابداری، اصل تحقق را از آن جهت مورد نقد قرار می دهند که قضاوت فردی و ذهنی برای اجرای آن نقش دارد.

پذیرش اصل تحقق، دو ناسازگاری با اصول اسلامی را پدید می آورد. اول اینکه اگر این فرض پذیرفته شود، شرکت ها باید زکات را بر اساس ثروتی که هنوز دریافت نشده است، پرداخت کنند که با اصول اسلامی قابل پذیرش نیست. سازگاری دوم قرارداد مضاربه است؛ این قرارداد، فقط به توزیع نقدی سود نیاز دارد (لوئیس، ۲۰۰۱). احمد (۱۹۹۴) اصل تحقق درآمد را به عنوان یک اصل قابل قبول برای ثبت معاملات مطرح می کند اما به حالتی اشاره می کند که سرمایه گذار مستحق دریافت سود، ممکن است با برداشت از سرمایه یا فروش سهام خود، در سود بعضی از پروژه هایی که هنوز به علت عدم تسویه، ثبت نشده اند به صورت کامل سهم نشوند که با موضوع عدالت اسلامی سازگاری ندارد.

### ۲-۲. اصل تطابق هزینه ها

تطابق بر این مفهوم دلالت دارد که هزینه ها باید در دوره ای که درآمد مربوط به آن ایجاد می شود، شناسایی شود. بر اساس این اصل، در حسابداری برای محاسبه سود یا زیان بایستی هزینه های تحمل شده در یک دوره از درآمدهای

حاصل شده از محل هزینه های انجام شده کسر گردد و نتیجه به عنوان سود و زیان گزارش شود. برخی دانشمندان اصل تطابق را به استفاده از معادل وجه نقد جاری برای محاسبه زکات ارتباط می دهند. این اصل از دیدگاه اسلام زیاد مورد تاکید قرار نمی گیرد، زیرا استفاده از یک تخصیص دارایی - بدهی برای اندازه گیری درآمد بیشتر با اصول اسلامی سازگاری دارد و این در حالی است که اصل تطابق، از مبنای درآمد - هزینه تبعیت می کند (خان ۱۹۹۴).

## ۲-۳. اصل افشا

این مفهوم بیان می کند که همه ی ذینفعان شرکت حق دارند اطلاعاتی را در مورد شرکت دریافت کنند. ذینفعان شامل سهامداران، بستانکاران، کارکنان، مشتریان، دولت و عموم جامعه می شود. بنابراین، در مبنای نظری حسابداری، تمرکز فقط بر سرمایه گذاران مانند سهامداران و بستانکاران است زیرا عموماً فرض می شود اطلاعاتی که برای سهامداران و بستانکاران مفید است برای دیگران هم مفید است. موضوع مهم این است که شرکت باید چه مقدار از اطلاعات را افشا کند. هندریکسون (۱۹۸۲) سه مفهوم افشا را بحث می کند: به اندازه لازم، قانونی (مجاز)، افشای کامل. افشای به اندازه لازم به کمترین مقدار افشا مربوط است. افشای قانونی بر اساس یک هدف مطابق با مقررات حرفه برای فراهم کردن اطلاعاتی متناسب با گروهی از خوانندگان بالقوه است و افشای کامل یعنی همه ی اطلاعات مربوط باید ارائه شوند.

استفاده از یک طرح حسابداری اسلامی به معنی افشا اطلاعاتی مربوط، بااهمیت و عینی که به تصمیم گیری کمک می کند، می باشد. در یک مدل اسلامی، جامعه حق دارد در مورد عملیات سازمانها آگاهی داشته باشد زیرا افشای اطلاعات با شاخص عدالت در ارتباط می باشد. اسلام بر افشای کامل تاکید دارد و این، نتیجه ی منطقی مفهوم مسئولیت پذیری در اسلام است (فرض افشا با مسئولیت پذیری در ارتباط است). افشای کامل در اسلام به معنی افشا هرچیز با تمام جزئیات نیست؛ اما هر چیزی که برای استفاده کنندگان اسلامی با اهمیت است و در جهت خدمت به خدا به کار گرفته می شود، باید افشا شود (بیدون و ویلت، ۱۹۹۷). پاسخگویی اجتماعی و افشای کامل باید مبنای گزارش های شرکت های اسلامی باشد (بایدون و ویلت، ۲۰۰۰)؛ بدین ترتیب، محتوای گزارشگری مالی در یک مدل حسابداری اسلامی به احتمال زیاد مفصل تر از مدل گزارشگری متعارف خواهد بود (ابراهیم و یایا، ۲۰۰۵).

معاملات خاصی که در چارچوب نظام سرمایه داری مجاز است اما در چارچوب اسلام ممنوع است (مانند بهره، تضمین سود بدون خطر و سایر معاملات ربوی) باید افشا شود. همچنین قرآن بر افشای واقعیت تاکید می کند: «واقعیت را با دروغ گویی نپوشانید» (سوره بقره، آیه ۴۲). شش جا در قرآن به این موضوع اشاره شده است و این به معنی اهمیت

افشای همه حقیقت هاست. محققان اسلامی برای نقش اطلاعات در بازار، اهمیت بسیاری قائل می شوند. انتشار اطلاعات کاذب و نادرست در جامعه اسلامی ممنوع است.

محققان اسلامی اعتقاد دارند که معاملات باید از جهالت یا اطلاعات کاذب به دور باشد؛ بنابراین، بازار مالی اسلامی بازار شفاف است و قراردادهای با در نظر گرفتن تمام اطلاعات مربوطه گذارده می شوند. سنت پیامبر اکرم (ع) در این رابطه بیشتر به معاملات کالا مربوط می شود. در مورد کالا، طرفین با بازرسی کالا از منافع آتی آن به طور کامل آگاه می شوند؛ اما برخلاف کالا، منافع حاصل از نگهداری سهام به شکل جریان های نقدی مورد انتظار است. این جریان های نقدی مورد انتظار با بروز هر حادثه جدید پیوسته تجدید نظر می شود؛ بنابراین اخلاق اسلامی ایجاب می کند تا اطلاعاتی که به جریان های نقدی مورد انتظار و ارزیابی سهام مربوط می شود، به طور مساوی در اختیار همه سهامداران قرار گیرد. این مطلب با حقوق سرمایه گذاران درباره دستیابی به اطلاعات و رهایی از اطلاعات کاذب به طور کامل سازگار است. در بازار مالی اسلامی سیستم نظارت باید تمام اطلاعات را به نحو مناسبی جهت تصمیم گیری معامله گران در بازار افشا کند. به عبارتی، بازار مالی اسلامی باید کارا باشد.

جامعه اسلامی، رشد را به عنوان عاملی برای برقراری انصاف در جامعه و توزیع عادلانه قدرت و ثروت در جامعه به کار می گیرد (ابراهیم و یایا، ۲۰۰۵) و ابزاری برای گزارشگری آن استفاده می شود باید سیاست توزیع مجدد ثروت و انتقال منابع بین گروه های مختلف جامعه را به خوبی ارائه کند (سلیمان، ۱۹۹۷). دو دیدگاه متفاوت درباره ی صورت سود و زیان در سیستم حسابداری اسلامی وجود دارد. عده ای معتقدند که جایگاه صورت سود و زیان باید تا حد یادداشت های توضیحی صورت های مالی تنزل پیدا کند زیرا صورت سود و زیان را عامل گرایش به سود مفرط می پندارند و این مسئله با ارزش های اسلامی در تعارض است. دیدگاه دوم نحوه ی محاسبه ی سود در حسابداری اسلامی را بسیار با اهمیت تر از حسابداری مرسوم تلقی می کند. دلیل این اهمیت، ممنوعیت درآمد یا هزینه ی مبتنی بر بهره عنوان شده است. همچنین ممکن است حسابداری اسلامی ملزم به تهیه ی یک صورت حساب جدید باشد؛ بیدون و ویلت (۱۹۹۴) یک صورت ارزش افزوده را به عنوان جایگزین صورت سود و زیان طراحی کردند که از سیستم پاسخگویی اسلامی تبعیت می کند. صورت ارزش افزوده مانند صورت سود و زیان است اما عملکرد شرکت را با توجه به منافع تمام ذینفعان جامعه نشان می دهد.

در یک سیستم حسابداری اسلامی، دامنه ی گزارشگری از انعکاس نتایج فعالیت های شرکت برای سهامداران فراتر رفته و این امر، از این فرض اساسی ناشی می شود که بنگاه های اسلامی، مسئولیتی فراتر از وظیفه ی ساده ی ثروت اندوزی برای سهامداران را به عهده دارند. تلقی اسلام از انسان به عنوان امانتدار منابعی که خداوند به او سپرده و اینکه جانشین او بر روی زمین به شمار می رود، مسئولیت های خطیری را بر عهده ی آدمی گذاشته است. در این مورد،

نویسندگان قبلی به وجود یک گزارش اطلاعات اجتماعی در کنار صورت سود و زیان، ترازنامه، صورت جریان وجه نقد تاکید داشته اند. لزوم ارائه گزارش های مربوط به مسئولیت های اجتماعی شرکت ها در گزارش های مالی، نظریه پردازان این حوزه را به جستجو برای ویژگی های گزارش گری مطلوب در مورد مسئولیت های اجتماعی برانگیخته است که در این راستا، تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری، متخصصان حرفه و مشاوران حسابداری بر رعایت نکات زیر به عنوان ویژگی های گزارش های اجتماعی مطلوب اشتراک نظر دارند: شفافیت و گویایی، پاسخگویی واقعی و صمیمانه به ذینفع ها، در بر داشتن رویدادها و اقدامات منفی در کنار دستاوردهای مثبت، بیان صریح پذیرش مسئولیت های اجتماعی و جامعیت گزارش و انعکاس آثار عملیات شرکت بر جامعه و محیط زیست که از منظر ذینفعان عمده دارای اهمیت است.

در مجموع، عقلانیت اقتصادی و اصول حاصل از آن به افشای فعالیت هایی رهنمون می شود که ممکن است بهترین تشریح بر پایه معیار «پاسخگویی فردی» باشد و برای دستیابی به چنین سطحی از پاسخگویی، افشای محدودی از اطلاعات مالی کفایت می کند. در مقابل، در اسلام، تمرکز بر شکلی از «پاسخگویی اجتماعی» و «افشای کامل اطلاعات حسابداری» قرار دارد و در راستای رسیدن به این هدف، آنچه لازم است باید افشا گردد و بنابراین گزارشگری مالی اسلامی، سطح گسترده تری از افشا را دربرمی گیرد (بایدون و ویلت، ۲۰۰۰).

## ۲-۴. اصل بهای تمام شده تاریخی

برطبق مفهوم بهای تمام شده، دارایی ها با ارزش وجه نقد یا معادل وجه نقدی که در زمان تحصیل پرداخت شده است ثبت می شوند. پرداخت های اضافی به علت خرید های نسبه و مدت دار جزء بهای تمام شده دارایی محسوب نمی-گردند. به مرور زمان که ارزش دارایی ها تغییر می کند، این تغییر ارزش، در بهای ثبت شده دارایی بی اثر می باشد. بحث جهت استفاده از این روش ارزش گذاری به دلیل قابلیت اثبات و عینی بودن آن است. اما مهمترین کاستی که در تئوری حسابداری بر آن وارد است تاثیرات ناشی از تغییرات قیمت است. تعداد کمی از اندیشمندان اسلامی، روش بهای تمام شده تاریخی را مطلوب می دانند و بیشتر آنان ارزش جاری دارایی ها در زمان فروش را ترجیح می دهند. شاید به این دلیل که ارزش جاری، با مفهوم رشد سرمایه (خواه واقعی یا برآوردی) که برای محاسبه زکات به کار می رود، ارتباط نزدیک تری داشته باشد. به علاوه، آنها، بهای تمام شده تاریخی را به دلیل تغییر قیمت ها در گذر زمان، مفهومی گمراه کننده ارزیابی می کنند و اعتقاد دارند استفاده از آن مغایر با ارزش های اسلامی خواهد بود (ابراهیم و یایا، ۲۰۰۵). نویسندگانمانند سلیمان (۲۰۰۰)، حمید و همکاران (۱۹۹۳) و کریم و گمبلینگ (۱۹۹۱) استفاده از روش بهای

تمام شده تاریخی را مناسب نمی دانند. همچنین استفاده از بهای تمام شده تاریخی منجر به تحریف اصل افشای واقعیت می شود (ابراهیم و یایا، ۲۰۰۵).

از طرف دیگر، برای استفاده از ارزش جاری مشکلاتی وجود دارد (بیدون و ویلت، ۲۰۰۰). حمود (۱۹۹۶) معتقد است که استفاده از ارزش جاری منجر به توزیع سود قبل از پوشش سرمایه می شود و به این دلیل است که آن، نمی تواند معیار مناسبی برای ارزش گذاری در سیستم حسابداری اسلامی باشد.

بیدون و ویلت (۲۰۰۰) پیشنهاد می کنند که صورتهای مالی اسلامی شامل ۲ ترازنامه باشد که یکی براساس روش بهای تمام شده تاریخی و دیگری براساس ارزش جاری تهیه شده است. وظیفه مباشرت وابسته به بهای تاریخی می باشد و استفاده از روش خالص ارزش فعلی و خالص ارزش بازیافتنی برای ارزیابی مباشرت، با مشکلات تئوریکی در حسابداری اسلامی همراه خواهد بود (حنیفه و حودیپ، ۲۰۰۲).

به اعتقاد AAOIFI نیز استفاده از بهای تمام شده تاریخی، منجر به نابرابری برای سرمایه گذارانی می شود که در زمان های مختلف از سرمایه خود برداشت انجام می دهند و بدین ترتیب بهای تمام شده تاریخی منجر به بی عدالتی می شود. بنابراین AAOIFI، در بیانیه خود درباره مفاهیم حسابداری، مفهوم ارزش فعلی (جاری) را برای دارایی ها، بدهی ها و سرمایه گذاری ها به رسمیت شناخت (سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، ۱۹۹۹).

## ۲-۵. اصل محافظه کاری

مفهوم محافظه کاری این است که حسابداران باید دارایی ها و درآمدها را کمتر و بدهی ها و هزینه ها را با بیشترین ارزش ممکن نشان دهند. این مفهوم همچنین بر این امر دلالت می کند که هزینه ها باید زودتر و درآمدها دیرتر از زمان رخداد شناسایی شوند. این مفهوم بر این اساس توجیه می شود که از سوگیری مدیریت جلوگیری می کند. مفهوم محافظه کاری توسط بسیاری از صاحب نظران حسابداری مورد نقد قرار گرفته است. بلکویی (۲۰۰۰) محافظه کاری را به عنوان یک اصل استثنایی و مانعی در فهم فعالیت ها و به عنوان یک محدودیت برای ارائه اطلاعات مربوط شرح می دهد. او بعدها نتیجه می گیرد که آن ممکن است مقدمه ای برای انحراف، اشتباه و گمراه کنندگی صورت های مالی باشد. هندریکسون (۱۹۸۲) محافظه کاری را به عنوان یک محدودیت در ارزش گذاری نامیده است و در بدترین حالت، آن را یک تحریف در اطلاعات حسابداری قلمداد می کند.

دانشمندان حسابداری اسلامی مفهوم محافظه کاری را در زمینه های مشابه نقد می کنند. در حسابداری اسلامی از مفهوم محافظه کاری همانند آنچه که در حسابداری متعارف درک می شود، حمایت نمی شود (حنیفه و حودیپ، ۲۰۰۲). استدلال می شود محافظه کاری در نهایت موجب کاهش زکات خواهد شد که آن با اهداف اسلامی مغایر

است. بنابراین تعیین درست ثروت و یا حداقل، برآورد منصفانه آن از ملزومات حسابداری اسلامی می باشد. عدنان و گافکین (۱۹۹۷) ادعا می کنند که مفهوم محافظه کاری در قرآن رد شده است و محافظه کاری با شریعت اسلامی ناسازگار است. احمد (۱۹۹۰) محافظه کاری را در تضاد با اصول اسلامی تعریف کرده و آن را رد می کند. خان (۱۹۹۴) از این دیدگاه که محافظه کاری برای محاسبه زکات نامناسب است حمایت می کند. ارزیابی کمتر از واقع دارایی ها به معنی زکات کمتر است و این در حالی است که یکی از مهمترین وظایف دینی مسلمانان حداکثرسازی زکات است (خان، ۱۹۹۴ و گمبلینگ، ۱۹۹۱). البته برخی دیدگاه های موافق نیز در این زمینه وجود دارد. برای مثال احمد (۱۹۹۵) اذعان می کند که گاهی اوقات محافظه کاری اصول اسلامی را انکار می کند اما در مواردی دیگر اذعان می کند که محافظه کاری در گزارشگری مالی از طریق محدود کردن ارزش گذاری خوشبینانه و توزیع سودهای تحقق نیافته (تحصیل نشده) به رفاه عمومی کمک می کند. اما با وجود این نظریه های موافق، باز به نظر می رسد رویکرد نویسندگان و نظریه پردازان اسلامی، بیشتر به عدم پذیرش اصل محافظه کاری بوده است.

### ۳. تحلیل دیدگاه غربی و اسلامی در مورد مفروضات حاکم بر حسابداری و گزارشگری مالی

#### ۳-۱. فرض تداوم فعالیت

این فرض حاکی از این مطلب است که واحد اقتصادی عملیات اصلی خود را تا آینده قابل پیش بینی ادامه خواهد داد. طبقه بندی دارایی ها به جاری و غیر جاری و همچنین طبقه بندی بدهی ها به کوتاه مدت و بلندمدت از مصادیق بارز این فرض می باشد. اصل بهای تمام شده تاریخی در حسابداری نیز منتج شده از فرض تداوم فعالیت می باشد و این بدین دلیل است که چون واحد اقتصادی فعلا قصد به انحلال ندارد بنابراین گزارشگری اقلام ترازنامه به ارزش متعارف صحیح نمی باشد. این فرض فراهم کننده مبنایی منطقی برای اندازه گیری و ثبت منافع اقتصادی آتی به عنوان دارایی و پرداختهای آتی به عنوان بدهی است. شماری از دانشمندان اسلامی با پذیرش مفهوم تداوم فعالیت مخالف هستند. عدنان و گافکین (۱۹۹۷) این فرض را رد کرده و معتقدند که پذیرش این مفهوم، پذیرفتن چیزی دیگر غیر از خداوند که عمر نامحدود دارد را، تصدیق می کند و این موضوع نمی تواند از منظر شریعت اسلامی قابل قبول باشد. همچنین برخی، مفهوم تداوم فعالیت از آنجا ناسازگار می دانند که اصل تداوم فعالیت که فرض می کند واحد تجاری دارای عمر نامحدود است برای قرارداد مضاربه مناسب نیست، زیرا قرارداد ممکن است در هر زمانی لغو شود (حنیفه و حودی، ۲۰۰۲). همچنین فرض تداوم فعالیت از طریق ثبت دارایی ها به بهای تمام شده (کمتر از ارزش بازار) منجر به یک رویکرد محافظه کارانه می شود که از نظر اسلام قابل پذیرش نمی باشد (احمد، ۱۹۹۴).

#### ۳-۲. فرض تفکیک شخصیت

در این تئوری که معمار اصلی آن پرفسور پی تون بوده است، واحد اقتصادی موجودیتی مستقل و هویتی متمایز از مالکان داشته و دارایی‌ها متعلق به واحد انتفاعی بوده و بدهی‌ها تعهدات آنها هستند و صاحبان سهام نیز سرمایه گذاران در این دارایی‌ها هستند و بدین ترتیب ادعاهای مربوط به دارایی‌ها ماهیتی دوگانه دارند. با این فرض هر مؤسسه یک شخصیت حقوقی مستقل فرض شده که می‌تواند دارایی تحصیل نموده، بدهی و هزینه ایجاد کرده، تعهد و درآمد تحصیل نماید.

برخی علمای اسلامی معتقدند قبول پذیرش اشخاص حقوقی جداگانه در اسلام با تردید همراه است (کریم و گمبلینگ، ۱۹۹۱). همچنان که در اصول اسلامی، مصداقی وجود ندارد که برای تجارت، اشخاص حقوقی جداگانه به کار گرفته شده باشد (زید، ۱۹۹۵). همچنین برخی، به مشکلات اخلاقی ناشی از پذیرش این فرض اشاره می‌کنند. به طور مثال، مالکان برخی از انواع شرکت‌ها، در هنگام ورشکستگی، نسبت به بدهی شرکت مسئولیتی نداشته، اما در سود باقی مانده سهم می‌شوند (خان، ۱۹۹۴).

### ۳-۳. فرض واحد اندازه گیری

مفهوم سنجش پولی بر این اساس است که حسابداری یک فرایند اندازه گیری فعالیت‌های شرکت است که قابل اندازه گیری به پول باشد (بلکویی، ۲۰۰۰). براساس این فرض بایستی تمام رویدادهای مالی واحد اقتصادی در قالب ارقام قابل سنجش به پول اندازه گیری و ثبت شوند. به دلیل اینکه پول کارآمدترین وسیله برای اندازه گیری و انتقال اطلاعات مالی بوده و به عنوان یک مقیاس مشترک در کلیه معاملات بکار گرفته می‌شود. این فرض به دلیل کاهش ارزش پول و افزایش تورم و نیز محدودیت آن در اندازه گیری اطلاعاتی که قابل سنجش با پول نیستند، نسبت به سایر اصول و مفروضات تحت تاثیر قرار گرفته و با چالش‌هایی مواجه می‌باشد.

دانشمندان اسلامی مشکل تاثیر محیط تورمی را اذعان می‌کنند و معتقدند که این موضوع می‌تواند بر حقوق و تعهدات مالی موثر باشد. برطبق نظر کریم، ربا مربوط به طرز تقلی اسلامی نسبت به ارزش زمانی پول است. برخی از فقهای اهل تسنن بحث کرده‌اند که قانونی که ضد تغییر بهره است ارزش زمانی پول را به یک مفهوم غیر قابل قبول برای مسلمین تبدیل کرده است، این دیدگاه به هر حال در بین کلیه مسلمین مشترک نمی‌باشد. کریم در سال ۲۰۰۱ روشن می‌کند که پذیرش مفهوم ارزش زمانی پول باید به آسانی جایگاه دیگری را به دست آورد که ممنوعیت یا تحریم ربا قابل اجتناب باشد. از طرف دیگر انکار مفهوم ارزش زمانی پول مرکز نگرش ارزیابی استفاده شده در تئوری اندازه گیری حسابداری است. احمد (۱۹۹۵) بحث می‌کند که در یک محیط تورمی، استفاده از پول به عنوان یک واحد اندازه گیری از دیدگاه اسلامی سوال برانگیز است، به اعتقاد وی پول نمی‌تواند یک واحد حساب درستی را ارائه کند و پول را یک استاندارد غیرمنصفانه جهت به تاخیر انداختن پرداختها و یک معیار ذخیره ارزش نامناسب تلقی می‌کند (احمد، ۱۹۹۵). در



مجموع، دانشمندان اسلامی مفهوم ثبات و پایداری قدرت خرید را با اصول اسلامی در تناقض می دانند و معتقدند پول به عنوان واحد اندازه گیری، یک مبنای غیرمنصفانه و غیر قابل اعتماد برای پرداخت های آتی فراهم می آورد و بی انصافی را در جامعه رواج می دهد (عبدالقادر، ۱۹۹۴، عدنان و گافکین، ۱۹۹۷؛ آتیا، ۱۹۸۹؛ شهید، ۲۰۰۲، ناپیر، ۲۰۰۷).

### نتیجه گیری

اسلام به عنوان یک روش زندگی دارای نظام خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که برای تمام ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی دارد و حسابداری هم به عنوان ابزار ارائه اطلاعات سیستم اقتصادی از این قاعده مستثنی نخواهد بود. برخی پژوهشگران حسابداری اسلامی عقیده دارند که شریعت بر چگونگی اجزاء چارچوب نظری حسابداری اثر دارد و باید بازبینی شود. بر این اساس، روشی پیشنهاد شده است که بر اساس آن، چارچوب نظری حسابداری رایج مبنای قرار گرفته و عناصر آن را با اصول و موازین شریعت مطابقت دهند. در مقاله پیش رو هدف آن بود که تلاش محققانی که از روش تطبیقی استفاده کرده اند ارائه شود و بدین طریق در مورد اهداف، اصول و مفروضات چارچوب نظری حسابداری رایج و حسابداری اسلامی مقایسه صورت گیرد. نتایج حاکی از آن است که بسیاری از محققان اسلامی بر این باورند که اصول و مفروضات حسابداری مرسوم نمی توانند مطابق با اصول و شریعت اسلامی باشند. دانشمندان مسلمان علت وجود بحثی با عنوان حسابداری اسلام را وجود تقاضا برای اطلاعات خاصی که بیانگر نتایج فعالیت های اقتصادی در جامعه اسلامی است، عنوان می کنند. همچنین از آنجا که حسابداری اسلامی، نظامی است در چارچوب مکتب اقتصادی اسلام، و هدف مکتب اقتصادی اسلام، برقراری عدالت اجتماعی است و از طرفی اطلاعات حسابداری بر این مقوله اثرگذار است، قاعدتاً باید بین اهداف حسابداری اسلامی و حسابداری متعارف تفاوت وجود داشته باشد. در این مورد، دانشمندان اسلامی، تفاوت در حدود پاسخگویی حسابداری اسلامی، تفاوت پاسخ خواه و لزوم ارائه اطلاعات برای محاسبه زکات را، مهم ترین دلایل تفاوت اهداف حسابداری اسلامی و حسابداری متعارف، بیان می کنند.

استفاده از چارچوب گزارشگری مالی جامعه ای که اهداف حسابداری، استفاده کنندگان، قواعد زبان حسابداری، نتایج ارائه شده توسط آن و سودمندی آن، متفاوت با حسابداری قراردادی متعارف می باشد؛ لزوم تدوین اصول و قواعد متفاوتی از قواعد مورد استفاده در حسابداری متعارف را، برای مسلمانان پدید آورده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مفاهیمی از قبیل اصل تحقق درآمد، اصل تطابق هزینه ها، اصل بهای تمام شده تاریخی و اصل محافظه کاری، که در حسابداری متعارف به کار گرفته می شوند، با برخی از اصول اسلامی سازگاری ندارند و نمی توانند به طور کامل در حسابداری اسلامی به کار گرفته شوند. همچنین حسابداری اسلامی سطح بالاتری از افشا را نسبت به

حسابداری متعارف، مورد تاکید قرار داده است. فرض تداوم فعالیت به شکل متعارف آن، از نظر حسابداری اسلامی قابل پذیرش نیست؛ زیرا پذیرش آن، به معنی پذیرش عمر نامحدود برای چیز دیگری جز خداوند است. همچنین این فرض منجر به محافظه کاری می شود که مانع از حداکثرسازی زکات (یکی از اهداف اصلی حسابداری اسلامی) می شود و برای قرارداد مضاربه نیز مناسب نمی باشد. در مورد استفاده از فرض تفکیک شخصیت در اسلام شواهد کافی وجود ندارد و محققان استفاده از آن را در تناقض با اصول اخلاقی می دانند. در مورد فرض واحد اندازه گیری، دانشمندان اسلامی، استفاده از پول را به عنوان مبنای اندازه گیری حسابداری اسلامی قابل قبول نمی دانند.

در کل، با توجه به نتایج تحقیق، که علاوه بر تفاوت های محیطی جامعه اسلامی از جامعه غربی (مورد نظر هافستد)، که به حسابداری متفاوتی نسبت به حسابداری مرسوم منجر می شود، اهداف و روش هایی هم که در حسابداری اسلامی مدنظر است، با نوع متعارف آن تفاوت دارد و لازم است که دانشمندان مسلمان در اصول و مفروضات حسابداری، بازنگری مجددی انجام داده و پس از تطبیق با قوانین اسلامی و در چارچوب مکتب اقتصادی اسلام، یک چارچوب نظری گزارشگری مالی متناسب با نیازهای جامعه اسلامی ارائه نمایند.

مقایسه حسابداری متعارف با اصول و موازین ارائه شده در منابع اسلامی بیانگر تفاوت های عمده ای است که نیازمند پژوهش های متعددی در این زمینه، برای شناسایی و مطابقت قوانین اسلامی با حسابداری مرسوم می باشد. در این مورد پیشنهاد می شود کمیته ای متشکل از متخصصان حرفه حسابداری، اقتصاد اسلامی، دانشگاهیان و محققان تحت حمایت های دولتی، به تحقیقات گسترده و منسجم در حوزه حسابداری اسلامی و تفاوت های آن با حسابداری مرسوم بپردازند و در مورد ابزارهای مالی اسلامی و موارد دیگری که در حسابداری اسلامی مطرح می شوند اما در حسابداری مرسوم پیش بینی نشده اند، بحث و برنامه ریزی صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می شود مباحث مختص حسابداری اسلامی، در کارگروهی متشکل از پژوهشگران حسابداری و حوزوی تنظیم و سپس وارد سرفصل دروس دانشگاهی رشته حسابداری گردد. یکی از ایراداتی که مسلمانان به حسابداری مرسوم می گیرند این است که گزارشگری اسلامی حوزه ی وسیع تری را در بر می گیرد؛ این در حالی است که میانگین افشای مفاهیم مسئولیت های اجتماعی، زیست محیطی و سایر موارد مشابه، در شرکت های غربی نسبت به شرکت های داخلی بسیار بالا بوده است. در این مورد به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می شود قوانین و مقرراتی اتخاذ نماید که بتواند تا حد امکان میزان واقعی بکارگیری مفاهیم ذکر شده توسط شرکت ها را در طول سال های متمادی فعالیت های آنها، اندازه گیری و مشخص کند.

## منابع

۱. بزرگ اصل، موسی. (۱۳۸۴). اهداف و خصوصیات حسابداری اسلامی. حسابرس، شماره ۳۱
۲. ثقفی، علی. (۱۳۸۱). نقد بهای تمام شده. بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۶ (۳۰): ۵-۲۸

۳. چپرا، محمد عمر. (۱۳۸۴)، *اسلام و چالش اقتصادی* (ترجمه میر معزی، سید حسین؛ هادوی نیا، علی اصغر؛ یوسفی، احمد علی؛ جهانیان، ناصر). تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. حائری، سید کاظم و احمد علی یوسفی. (۱۳۸۰). *اندیشه اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر، فصل نامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱، صص. ۲۱-۴۲.*
۵. سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی. (۱۹۹۹). *استانداردهای حسابداری مؤسسات مالی اسلامی. سازمان حسابرسی (نشریه ۱۶۴)، ترجمه علی اکبر جابری.*
۶. شباهنگ، رضا. (۱۳۸۱). *تئوری حسابداری، جلد ۱. سازمان حسابرسی*
۷. صدر، سید محمد باقر (بی تا). *اقتصاد ما* (ترجمه موسوی، محمد کاظم). تهران، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. صدیقی، محمد نجات الله، قحف، منذر عبدالمنان، محمد، متوالی، م.م (۱۳۷۵). *مباحثی در اقتصاد خرد با نگرش اسلامی* (ترجمه حسین صادقی). چاپ اول، تهران، ناشر موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
۹. غنی نژاد، موسی (۱۳۸۱)، *درباره هایک، تهران، نگاه معاصر*
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، چاپ اول، انتشارات صدرا
11. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (1999a). Accounting, Auditing and Governance Standards for Islamic Financial Institutions. Manamah: AAOIFI.
12. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (1999b). Statement on the purpose and calculation of capital adequacy ratio for Islamic banks. Manamah: AAOIFI.
13. Adnan, M. and Gaffikin, M. (1997). *The Shari'ah, Islamic Banks and Accounting Concepts and Practices. Paper presented at Accounting, Commerce and Finance: the Islamic Perspective International Conference, University of Western Sydney, Macarthur.*
14. Ahmad, M. (1994). Accounting Postulates and principles from an Islamic Perspective, *Islamic Economics*, Vol.3, No.2: 1-18.
15. Ahmad, M. (1995). *Business Ethics in Islam*, Islamabad: IIIT (Pakistan)
16. Al-Obji, K. (1989). *Islamic Financial Institutions' Accounting* Cairo: Al-Farouq Publication.
17. Al-Qabani, T. (1983). Some Characteristics of Islamic Thought Evolution and Islamic Accounting. Islamic Banks International Union.
18. Attiah, M. (1989). *Financial Accounting Theory in Islamic Thought*. Islamic Banks International Union.
19. Ball, R. (1988). *The firm as a specialist contracting intermediary: Application to accounting and auditing*. Unpublished manuscript. University of Rochester.
20. Baydoun, N. and Willett, R. (1994), *Islamic Accounting Theory, paper presented at the Accounting Association of Australia and New Zealand. Annual Conference, 3-6 July, Australia.*
21. Baydoun, N. and Willett, R. (1997), *Islam and Accounting: Ethical Issues in the Presentation of Financial Information. Accounting, Commerce & Finance: The Islamic Perspective*, 1(1), 1-25.
22. Baydoun, N. and Willett, R. (2000), *Islamic Corporate Reports, Abacus*, 36(1), 71-90.
23. Belkaoui, A. (2000). *Accounting Theory*. London: International Thomson Business Press.
24. Chen, R. (1975). Social and Financial Stewardship, *The Accounting Review*, July, 4- 53
25. Gambling, T.E. and Karim, R.A.A. (1986), *Islam and Social Accounting. Journal of Business Accounting and Finance*. Spring, 39- 50.
26. Gambling, T.E. and Karim, R.A.A. (1991). *Business and Accounting Ethics in Islam*, London: Mansell

27. Hameed, S. (2000), *The Need for Islamic Accounting: Perception of Its Objectives and Characteristics by Malaysia Accountants and Academics*, Ph.D. Thesis, University of Dundee
28. Hamid, S., Craig, R. and Clarke, F. (1993). Religion: A Confounding Cultural Element in the International Harmonization of Accounting. *Abacus*. 29(2), 131-148.
29. Haniffa, R.M. (2002), Social Responsibility Disclosure: An Islamic Perspective, *Indonesian Management and Accounting Research Journal*, forthcoming.
30. Haniffa, R.M. and Hudaib, M.A. (2002), A Theoretical Framework for the Development of the Islamic Perspective of Accounting, Accounting, Commerce & Finance. *The Islamic Perspective Journal*, forthcoming.
31. Hayashi, T. (1989), *On Islamic Accounting: Its Future Impact on Western Accounting*, The Institute of Middle Eastern Studies, International University of Japan.
32. Hendriksen, E. (1982). *Accounting Theory*. Homewood: R.D. Irwin.
33. Hofstede, G. (1980). *Cultures consequences: International difference in work related values*. London: Sage Publications.
34. Hmoud, S. (1996). Profits Computation Standards in Islamic Banks. *Islamic Economic Studies*, 3(2), 83-112.
35. Karim, R.A.A. (2001). International Accounting Harmonization, Banking Regulations, and Islamic Banking. *The International Journal of Accounting*, 36(2), 169-193.
36. Khan, M. A. *Accounting Issues and Concepts for Islamic Banking, Ins, Development of an Accounting System for Islamic Banking*, London: The Institute of Islamic Banking & Insurance, 1994
37. Lewis, M. (2001). Islam and Accounting. *Accounting Forum*, 25(2), 103-127
38. Mirza, A.M. and Baydoun, N. (2000), Accounting Policy Choice in a Riba-free Environment, Accounting, Commerce & Finance. *The Islamic Perspective Journal*, 4(1), 30- 47.
39. Napier, C. (2007), *Other cultures, other accountings? Islamic accounting from past to present*. 5th Accounting History International Conference, Banff, Canada, 9-11 August 2007
40. Pallot, J, (1991). The legitimate Concern with Fairness: A Comment, Accounting, Organizations And Society 16. 8- 20.
41. Rahman'Shadia. Islamic Accounting Standards. [www.Islamic.Finance.net](http://www.Islamic.Finance.net).
42. Shihadeh, M. (2002). *The Relation Between Islamic Banks and Central Banks*. Paper presented at The Fifth Islamic Forum; Towards a Comprehensive Islamic Banking System, Amman.
43. Sulaiman, M. (2000). Corporate Reporting from an Islamic Perspective, *Akauntan Nasional*, October: 18-22
44. Triyuwono, (2000). Shariah Accounting implementation of justice in a from of trust metaphor. *Journal akutansi and auditing Indonesia*.
45. Zaid, O.A. (2000). The Appointment Qualifications of Muslim Accountants in the Middle Ages. *Accounting Education*, 9(4), 329-342.

## **The incompatibility of Islamic accounting and conventional accounting**

### **Abstract**

A most defining aspect of this era is the return to the religious in all its different pretexts. In the meantime, the issue of accounting for all those who have long been the heart of Islam are at stake. Accordingly, many have tried to identify and introduce this important phenomenon, cross step left forward. Each of these people have seen the landscape of the accounting. These efforts led to the definition and development of ideas is the concept of accounting. First, a discussion of the Islamic accounting is set out before moving on to the history and nature of Islamic accounting. The work proceeds with an attempt to bring together systematically the points of divergence among researchers in Islamic and conventional accounting. Our results indicate that the core concepts of accounting framework has been influenced by shariah law. There are indications that interact conventional accounting rules of law, necessarily imply no agreement on the Islamic perspective of accounting concepts.

**Keywords:** Islamic Accounting, Islamic values, the conceptual framework of accounting, Conventional accounting, accounting principles and assumptions